

## جبران خسارت ناشی از ارتکاب جنایات بین‌المللی در دیوان بین‌المللی کیفری برای بزهدیده در پرتو آراء صادره

صادق سلیمی<sup>۱</sup>، فرزانه جداری فروغی<sup>۲</sup>

### چکیده

اهمیت به نقش بزهدیده یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات دیوان است که می‌تواند فضای محاکمه منصفانه را ایجاد کند. قبل از تصویب اساسنامه، مذاکرات بسیاری در این خصوص میان نمایندگان درگرفت. در سال ۲۰۱۲ رئیس دیوان بین‌المللی کیفری، در سخنرانی خود در کنفرانس پارلمانی جهانی حقوق بشر- رم، اساسنامه دیوان را سدی برای جلوگیری از ارتکاب جنایت دانست و بیان کرد که دیوان، عدالت تسکینی و عدالت برای پیشگیری از جرائم را به ارمغان می‌آورد. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی به بررسی جایگاه بزهدیده در دیوان بین‌المللی کیفری می‌پردازد. برای بررسی این موضوع، اساسنامه رم و سایر مقررات مربوطه مورد توجه قرار گرفته است. لذا با توجه به آن فرضیه پژوهش عبارتند از اینکه اساسنامه رم با به رسمیت شناختن اهمیت نقش بزهدیده در مبارزه با مصونیت مجرم، تعادلی میان سیستم‌های قانونی ایجاد نموده است که این منجر به نوآوری و ایجاد سیستمی از عدالت شده است و در پاسخ، مشارکت بزهدیده یکی از پیشرفت‌های عدالت ترمیمی است اما با این وجود، هنوز آئین و روش‌های دیوان در سازگاری کامل با این موضع نیست.

**واژگان کلیدی:** دیوان بین‌المللی کیفری، بزهدیده، جبران خسارت، مشارکت

<sup>۱</sup> دانشیار، دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی  
foroughi60@yahoo.com

## مقدمه

دیوان بین‌المللی کیفری در راستای دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی، ضرورت شناسایی حقوق بزه‌دیدگان را مدنظر قرار داده و بزه‌دیده در مقایسه با سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین از دامنه شمول گسترده-تری برخوردار است. حقوق بزه‌دیده را می‌توان به سه دسته اصلی (حق مشارکت، حق حمایت و حق جبران خسارت) تقسیم نمود. برای تضمین یک محاکمه منصفانه و بی‌طرف باید از سوی دادگاه مورد تکریم قرار گیرد.

حق مشارکت بزه‌دیده، در معنای ماده ۶۸ اساسنامه بند ۳ حق اولیه‌ای است که توسط اساسنامه اعطا شده است. در مواردی که منافع شخصی بزه‌دیده تحت تاثیر قرار گیرد دادگاه این اجازه را می‌دهد تا بگونه‌ای که ناسازگار با حقوق متهم و محاکمه منصفانه نباشد، به بیان دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود بپردازد.

حق حمایت، شامل اقداماتی است که دیوان در ماده ۶۸ بند ۱ به منظور حفاظت از امنیت، رفاه جسمی و روحی، حفظ شأن و منزلت بزه‌دیده انجام می‌دهد. دسته سوم، مسئله جبران خسارت است. این حق مستقل از حق مشارکت بوده و بزه‌دیدگانی که نمی‌توانند یا مایل به شرکت در جلسات دادگاه نمی‌باشند، نیز می‌توانند از این حق استفاده کنند. این حق در ماده ۷۵ اساسنامه استوار است.

۲۲ به رسمیت شناخته شدن حقوق بزه‌دیده از سوی دیوان بین‌المللی کیفری، بی‌شک نتیجه پیشرفت نظام بین‌المللی کیفری است. بررسی حقوق بزه‌دیده توسط دیوان بین‌المللی کیفری، تضمین یک محاکمه منصفانه و بی‌طرف را در برخواهد داشت. این اقدام از طریق واحدهای حمایتی مختلف از جمله سازمان‌های جوامع مدنی می‌تواند پشتیبان دسترسی بزه‌دیده به حقوق خود باشد.<sup>۱</sup> به منظور تحقیق و بررسی نقش بزه‌دیده در نظام بین‌المللی کیفری، باید حقوق آنان در اساسنامه و سایر مقررات مربوطه در دیوان بین‌المللی کیفری مورد کاوش قرار گیرد.

## پیدایش، آغاز و تحولات موضوع جبران خسارت بزه‌دیدگان

از دهه ۱۹۶۰ جنبش‌هایی با هدف دفاع از حقوق بزه‌دیده آغاز شد. نقطه عطف پیدایش این حقوق، تصویب "اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت" طی قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل است. در این اعلامیه به چهار دسته از حقوق دسترسی به عدالت، جبران خسارت، غرامت و مساعدت اشاره شده است. به دنبال جنایات ارتكابی در رواندا و بوسنی و هرزگوین، شورای امنیت مبادرت به تاسیس دو دادگاه اختصاصی نمود. در دیوان یوگسلاوی سابق برای بزه‌دیده دسترسی به وکیل و مدارک برای بزه‌دیده پیش‌بینی نشد. بند الف قاعده ۸۵ آئین دادرسی دیوان بین‌المللی کیفری بزه‌دیده را شخصی حقیقی معرفی

<sup>1</sup> For more information, go to <www.vrwg.org>, accessed on September 12, 2006.

می‌کند که در نتیجه ارتکاب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دیوان، آسیب دیده است. در بند ب همان قاعده، دیوان با پذیرش ضمنی آسیب غیرمستقیم به اشخاص حقیقی دایره شمول گسترده‌تری را از مفهوم بزه‌دیده مدنظر قرار داده است (Moffet, 2014: 86). برای فهم بیشتر این حقوق باید اسنادی همچون اساسنامه، آئین دادرسی و سایر مقررات مربوطه مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱- حق مشارکت در فرآیند دادرسی

اساسنامه رم پیشرفت قابل ملاحظه‌ای (بند ۴ قاعده ۵۰) در ارائه تعریفی از مفهوم بزه‌دیده و جبران خسارت نسبت به دادگاه‌های قبل داشته است. بخش مشارکت و جبران خسارت، مشارکت را به معنای امکان ابراز نگرانی بزه‌دیده نزد دادگاه می‌داند. ماده ۶۸ اساسنامه که به ضرورت حفاظت از بزه‌دیده و شهود می‌پردازد دیوان را موظف به برگزاری محاکمه منصفانه با توجه به حقوق متهم و مشارکت بزه‌دیده نموده است. به موجب بند ۳، به بزه‌دیده اجازه داده می‌شود سازگار با حقوق متهم و محاکمه منصفانه در فرآیند دادرسی شرکت کند. بیان نگرانی‌ها (بند ۴ قاعده ۵۰ و قاعده ۹۳)، پاسخ به پرسش‌های دیوان (قسمت الف و ب بند ۳ قاعده ۹۱) از جمله مصادیق مشارکت بزه‌دیده در فرآیند دادرسی است (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۹۷).

### الف) فرآیند بهره‌گیری از حق مشارکت

دامنه این حق در قواعد ۸۹ لغایت ۹۳ آئین دادرسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. طبق قاعده ۸۷ برقراری توازن بین حقوق متهم و بزه‌دیده برعهده قضات دیوان می‌باشد. به موجب قاعده ۸۹ بند ۱، بزه‌دیده باید طی درخواست کتبی قصد و دلایل خود را برای استفاده از حق مشارکت بیان کند و در دفتر ثبت اسناد و بایگانی به ثبت برساند. برابر قسمت C بند ۱ قاعده ۱۹، رئیس دفتر ثبت برای تسهیل در استفاده از این حق، موظف به مساعدت با بزه‌دیده است. به همین منظور دفتر ثبت اسناد اقدام به تهیه فرم‌های استاندارد نموده که بزه‌دیدگان می‌توانند این فرم‌ها را از طریق بخش مشارکت و جبران خسارت بزه‌دیدگان مستقر در دفتر ثبت و یا پایگاه اینترنتی دیوان تهیه کنند. مشارکت‌کنندگان می‌توانند با تکمیل بخش C در فرم درخواست، متقاضی شرکت مستمر در فرآیند دادرسی شوند. این فرم‌ها باید توسط دفتر ثبت اسناد در مکان‌هایی که دیوان تحقیقات خود را انجام می‌دهد، توزیع گردد و حداقل امکان باید به زبان قابل فهم برای بزه‌دیده در دسترس قرار گیرد. مسئولیت کمک به بزه‌دیدگان در تکمیل فرم (بند ۲ قاعده ۸۶) برعهده دفتر ثبت است. تقاضانامه‌ها به یکی از زبان‌های دیوان تکمیل و ارسال می‌گردد. تقاضانامه مشارکت در دو فرم تهیه شده است. فرم ۱ مخصوص اشخاص حقیقی و فرم ۲ مخصوص اشخاص حقوقی است. فرم‌های تکمیل شده توسط دفتر ثبت به همراه گزارش‌های تهیه شده برای دیوان ارسال و طبق قاعده ۸۹ رونوشتی از فرم‌ها برای

متهم و دادستان فرستاده می‌شود. تشخیص بزه‌دیده واجد شرایط (ماده ۸۵ اساسنامه) برعهده دیوان است و در صورتی که تعداد درخواست‌ها زیاد باشد شعبه مطابق با بند ۴ قاعده ۸۹ می‌تواند یک تصمیم در مورد همه آنها اتخاذ نماید (دیرباز و رضوی‌فرد، ۱۳۹۲: ۱۰۳). در مرحله تحقیق به موجب ماده ۱۵ بند ۳ بزه‌دیده می‌تواند مشاهدات و دیدگاه‌های خود را به دادستان ارائه کند و یا مشاهدات خود را جهت اعتراض طبق ماده ۱۹ بند ۳ به دیوان تقدیم نماید.

### (ب) معاضدت قضائی

نماینده‌گی حقوقی ارتباط مستقیمی با حق مشارکت دارد. قاعده ۹۰ بند ۱ آئین دادرسی به نحوه شرایط نمایندگان برای ورود به فرآیند دادرسی می‌پردازد (Garkawe, 2003). مطابق با بند ۳ قاعده ۵۰ بزه‌دیده می‌تواند آزادانه نمایندگان خود را کتبا به شعبه معرفی کند (بند ۱ قاعده ۹۰). این نمایندگان باید از شرایط خاصی همچون صلاحیت در حقوق بین‌الملل یا کیفری و آئین دادرسی (بند ۱ قاعده ۲۲)، داشتن حداقل ۱۰ سال تجربه قضاوت، دادستانی، وکالت کیفری یا صلاحیت‌های مشابه حقوقی، مسلط به یکی از زبان‌های انگلیسی یا فرانسه (بند ۱ قاعده ۲۲) و ... برخوردار باشند. دیوان جهت تسریع در روند رسیدگی طبق قاعده ۹۰ بند ۲، استفاده از یک نماینده قانونی مشترک را برای بزه‌دیدگان در نظر می‌گیرد. چنانچه بزه‌دیدگان نتوانند در مهلت مقرر وکیل مشترکی را انتخاب کنند، رئیس دفتر ثبت مطابق با بند ۳ قاعده ۹۰ مسئولیت تعیین وکیل عمومی را برعهده خواهد داشت که می‌تواند از "دفتر وکلای عمومی بزه‌دیدگان" (بند ۲ ماده ۸۰ آئین‌نامه‌های دیوان) وکیلی را انتخاب نماید. این دفتر در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ زیر نظر دفتر ثبت و بایگانی تاسیس گردید. اگر بزه‌دیدگان از وکیل عمومی ناخشنود باشند ظرف ۳۰ روز از ابلاغ تصمیم رئیس ثبت می‌توانند از شعبه مربوطه درخواست تجدیدنظر نمایند. دیوان به منظور تامین هزینه‌های ناشی از نمایندگی قانونی برای بزه‌دیدگان مطابق با مفاد ۸۳ و ۸۴ (مقررات دادگاه) و قاعده ۹۰ بند ۵ (آئین دادرسی و ادله) مقرراتی را تصویب نموده است. بزه‌دیدگان می‌توانند از دفتر دیوان مساعدت مناسب از قبیل کمک‌های مالی را دریافت کنند. دیوان شرایط درخواست‌کنندگان واجد شرایط را مورد بررسی قرار می‌دهد. قواعد ۵۰ بند ۱، ۹۲ بند ۲ و ۸ و قاعده ۹۶ آئین دادرسی و ادله به ضرورت اطلاع‌رسانی از وضعیت پرونده برای بزه‌دیده تصریح دارد. اولین رای با موضوع مشارکت بزه‌دیده در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۶ از شعبه اول مقدماتی در پرونده وضعیت در جمهوری دمکراتیک کنگو صادر شد که در آن شش بزه‌دیده مجوز مشارکت را دریافت نمودند (Stover, 2010).

<sup>1</sup> Office of Public Counsel for Victims (OPVC)

## ۲- حق حفاظت و امنیت بزه‌دیدگان و شهود

این حق با هدف حفظ امنیت، منزلت، تامین رفاه جسمی و روحی برابر ماده ۶۸ بند ۱ و ماده ۴۳ بند ۶ اساسنامه رم برای بزه‌دیده در نظر گرفته شد. "اقدامات پیشگیرانه و اقدام مستقیم در زمان خطر" دو روش کلیدی برای حمایت از حق حفاظت است. در درجه اول، اتخاذ اقدامات حمایتی در سرزمین‌هایی که تحقیقات لازم در آنجا انجام می‌گیرد، حائز اهمیت است. رئیس دفتر ثبت باید اقدامات مربوط به حمایت روانشناختی در هر زمان و مکان فارغ از سن، نژاد، مذهب و ... را (بند ۱ و ۲ ماده ۷۹ آئین‌نامه‌های دفتر ثبت) انجام دهد. طبق قاعده ۸۷ (۲) (b) حفظ امنیت و اطلاعات بزه‌دیده برعهده دیوان است. بخش "H" در فرم‌های تقاضای مشارکت توسط بزه‌دیدگانی تکمیل می‌گردد که خواستار عدم افشای هویت خود و مخفی ماندن اطلاعات‌شان می‌باشند. مسئولیت بررسی درخواست بزه‌دیده برعهده دادرس است. دیوان برای حفظ امنیت بزه‌دیده می‌تواند از دادرسی غیرعلنی (بند ۲ ماده ۶۸)، پخش از طریق وسایل ویژه (بند ۲ قاعده ۶۸، قسمت ۶ بند ۳ قاعده ۸۷ آئین دادرسی)، آموزش کارکنان در حفظ اطلاعات (قسمت الف بند ۲ قاعده ۱۷)، محدودیت‌های افشاء (بند ۵ قاعده ۶۸) و ... بهره‌گیرد. اطلاعات مربوط به شاهد و بزه‌دیده باید در پایگاه الکترونیکی امن توسط دفتر ثبت اسناد نگهداری شود. مطابق با بند ۱ ماده ۲۰ موافقتنامه مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان، بزه‌دیده برای حضور در دیوان از مصونیت از بازداشت شخصی، ضبط چمدان‌های شخصی (مگر در صورت ۲۵ وجود ابهام)، مصونیت از هرگونه پیگرد قضایی در رابطه با اقامه شهادت، معافیت از محدودیت‌های مهاجرتی در اثنای مسافرت برای ارائه شهادت برخوردار است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۸۴) و تضمین امنیت وی برعهده دفتر ثبت، دادستانی (بند ۱ ماده ۶۸ اساسنامه)، شعبه مقدماتی (قسمت ج بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه)، شعبه محاکمه (قسمت و بند ۶ ماده ۶۴ اساسنامه)، واحد بزه‌دیدگان و شهود، دولت‌های عضو (بند ۴ ماده ۸۷ اساسنامه) می‌باشد.

## ۳- جبران خسارت بزه‌دیده

جبران خسارت، یکی دیگر از راه‌های حفظ حقوق اولیه بزه‌دیده است. هیچیک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین اختیار اعطای غرامت و پرداخت مستقیم خسارت به بزه‌دیده را نداشتند. بزه‌دیده در صورت پایان یافتن محاکمه و متهم شدن محکوم، می‌توانست با توسل به دادگاه‌های ملی در پی دریافت جبران خسارت باشد. دیوان معتقد است که خسارت ناشی از جرم باید هنگام صدور رای مدنظر قرار گیرد و توسل به دادگاه‌های ملی یا دیگر مراجع صالح ضروری نیست (اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق ۳-۲۴، اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا ۳-۲۳).

## الف) صدور حکم به جبران خسارت

براساس بند ۱ ماده ۷۵، دیوان مختار است راسا یا به درخواست ذینفع در رای خود حدود و میزان آسیب وارده، نحوه جبران خسارت از طریق اعاده به وضعیت قبل، جبران خسارت و ترمیم را معین کند. به موجب بند ۳، دیوان می‌تواند بطور مستقیم متهم را برای پرداخت خسارت محکوم نماید. برای تضمین جبران خسارت، امکان تأمین اموال متهم از طریق تأمین خواسته و قرار تأمین در ماده ۵۷ اساسنامه در نظر گرفته شده است. مطابق با بند ۲ این ماده، دادگاه این اختیار را دارد احکامی را به نفع بزه‌دیده برای جبران خسارت صادر نماید و از اشخاص ذینفع، بزه‌دیدگان، دولت‌ها و محکوم‌علیه دعوت کند تا در رابطه با جبران، دیدگاه‌های خود را ارائه کند. در راستای تضمین جبران خسارت مطابق با ماده ۹۳ اساسنامه دیوان دولت‌ها را ملزم به پذیرش درخواست‌های دیوان برای کمک در زمینه شناسایی و ردیابی اموال و دارایی‌ها، ضبط وسایل بکار رفته در ارتکاب جرم و اعلام موقعیت اشیا نموده است. شعبه مقدماتی در پرونده لوبانگا نسبت به تهیه درخواست‌هایی جهت معرفی، ردیابی، مسدود کردن حساب‌ها، توقیف اموال وی اقدام نمود و دولت‌های عضو اساسنامه را به همکاری فراخواند (نژندی‌منش و آموزگار، ۱۳۹۶: ۱۴). مطابق با قاعده ۱۵۰ آئین دادرسی تصمیم و قرار صادره دیوان قابل تجدیدنظرخواهی ظرف سی روز پس از تاریخ ابلاغ رای یا قرار پرداخت غرامت است. محکوم علیه و قائم مقام قانونی وی نیز می‌تواند نسبت به اعاده دادرسی (ماده ۸۴ اساسنامه) اقدام نماید. نحوه ارائه درخواست جبران توسط بزه‌دیده (قاعده ۹۴ بند ۱ آئین دادرسی) باید بصورت کتبی ارائه و توسط مدیر دفتر ثبت گردد (Friman & Lewis, 2001: 479-480). براساس قاعده ۹۵ در مواردی که دیوان راسا قصد اقدام و پیگیری موضوع را داشته باشد از مدیر دفتر (بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه) تقاضای تهیه اعلامیه‌ای مبنی بر قصدش جهت متهم (متهمین)، بزه‌دیدگان، اشخاص و کشورهای ذینفع می‌نماید. اما صدور قرار در مورد غرامت صرفاً به درخواست بزه‌دیده صورت خواهد پذیرفت. مطابق قاعده ۹۶ رئیس دبیرخانه مکلف به مطلع نمودن بزه‌دیدگان یا نمایندگان قانونی آنان و یا سایر اشخاص مرتبط از جریان رسیدگی در خصوص جبران خسارت می‌باشد. مطابق با قاعده ۹۷، دیوان می‌تواند حسب مورد با در نظر گرفتن دامنه و اندازه هرگونه صدمه، ضرر یا خسارت<sup>۱</sup> نسبت به صدور حکم فردی یا جمعی و یا هر دو اقدام کند. همچنین مطابق با پاراگراف دوم همان قاعده دیوان می‌تواند بنا به پیشنهاد خود یا تقاضای بزه‌دیده، نمایندگان قانونی آنان و یا محکوم علیه جهت تعیین راه‌های جبران خسارت کارشناسانی را به کمک طلبد. در قاعده ۹۹ (طبق بند ۳(ه) ماده ۵۷ و بند ۴ ماده ۷۵ اساسنامه) نیز مقررات شکلی مربوط به تأمین و اقدامات حمایتی

<sup>1</sup> Injury.

<sup>2</sup> Loss.

<sup>3</sup> Damage.

پیش‌بینی شده است. شعبه مقدماتی می‌تواند راسا یا به درخواست دادستان، بزه‌دیدگان یا نمایندگان قانونی آنان که تقاضای جبران خسارت نموده‌اند، اتخاذ تصمیم نماید. دیوان در اجرای محکومیت‌های مالی، جریمه‌ها و مصادره اموال طبق ماده ۱۰۹ اساسنامه، می‌تواند از طریق صندوق معاضدت بزه‌دیدگان اقدام نماید. مطابق قاعده ۲۲۱، پرداخت غرامت به بزه‌دیده نسبت به سایر محکومیت‌های مالی در اولویت قرار می‌گیرد. دیوان برابر پاراگراف اول ماده ۱۰۳ اساسنامه، برای اجرای مجازات حبس از معاضدت دولت‌ها بهره می‌گیرد. سرزمین محل اجرای مجازات حبس از میان فهرستی که دولت‌ها برای قبول محکومان تکمیل نموده‌اند، تعیین می‌شود. دیوان برای جلوگیری از بازداشت افراد بی‌گناه در ماده ۸۵ اساسنامه مقرر می‌دارد: "هرکس دستگیر یا توقیف غیرقانونی شود، حق مسلمی بر مطالبه غرامت خواهد داشت." طبق پاراگراف دوم همین ماده اگر شخص به موجب رأی قطعی محکوم شود و محکومیت وی به جهت کشف واقعیت جدید یا احراز سوء اجرای عدالت نقض شود و شخص مذکور مجازات‌هایی را متحمل شده باشد، مستحق دریافت خسارت مطابق قانون خواهد بود (اسدی، ۱۳۸۸: ۸۰).

#### ب) مسئولین جبران خسارت

وفق مفاد ۲۵ و ۲۶ اساسنامه، دیوان صلاحیت رسیدگی به اشخاص حقیقی زیر ۱۸ سال را دارد اما براساس پاراگراف آخر همان ماده، هیچیک از مقررات این اساسنامه رافع مسئولیت دولت‌ها براساس حقوق بین‌الملل<sup>۲۷</sup> نیست. برابر ماده ۲۷ سمت رسمی رافع مسئولیت کیفری شخص نیست. اساسنامه در ماده ۲۸ به مسئولیت فرماندهان و دیگر مقامات ارشد پرداخته و مطابق با بند الف ماده ۳۳ صرف وجود وظیفه اخلاقی یا نظایر آن را رافع مسئولیت برای مامور زبردست در اطاعت از مقام مافوق نمی‌داند. برای رفع مسئولیت، مامور زبردست علاوه بر داشتن وظیفه قانونی در اطاعت از دستور مقام مافوق بنا بر بند ب و ج باید از غیرقانونی بودن فرمان باخبر نباشد و فرمان مربوطه ظاهراً غیرقانونی نباشد. جبران خسارت می‌تواند از اشکال مختلف صورت گیرد. جبران فقر ناشی از حملات صورت گرفته (احیای خانه‌های ویران‌شده، تهیه مسکن مناسب) پرداخت غرامت به شکل نقدی، توانبخشی و حمایت‌های پزشکی، روحی و آموزشی (پرداخت هزینه‌های تحصیل، احیای مجدد کسب و کار) می‌تواند از جمله اشکال جبران خسارت باشد. اولین بار در سال ۲۰۱۲ میلادی دیوان در پرونده لوبانگا محکوم علیه را ملزم به جبران خسارات وارد بر بزه‌دیدگان بصورت جمعی نمود (عاکفی قاضیانی، ۱۳۹۴: ۲۳).

#### ج) اصول جبران خسارت

دیوان در قاعده ۸۵ به تعریف بزه‌دیده می‌پردازد. در ماده ۷۵ بند ۶ مقرر می‌دارد: "هیچ بخشی از این ماده نباید طوری تفسیر گردد که به حقوق بزه‌دیده مطابق قوانین کشوری و حقوق بین‌الملل لطمه بزند." مفهوم

آسیب در اساسنامه تعریف نشده اما براساس قاعده ۸۵ آئین دادرسی، دیوان با پذیرش آسیب غیرمستقیم دایره شمول گسترده‌تری برای آن قائل شده است. مطابق با ماده ۷۴ بزه‌دیده باید از بطور برابر از حقوق خود در رابطه با جبران خسارت و مساعدت دیوان آگاه و برخوردار شود. دیوان می‌تواند تضمین جبران خسارت وارد بر بزه‌دیدگان خاص و آسیب‌پذیری که به کمک‌های فوری نیازمندند را در اولویت قرار دهد (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ماده ۴). بنابر اصل پانزدهم از اصول جبران خسارت سازمان ملل متحد، جبران باید متناسب با مسئولیت و آسیب وارده باشد. پس از اثبات ارتباط میان جرم و آسیب وارده، دادستان با توجه به شرایط بزه‌دیده به تعیین استانداردهای مناسب برای جبران می‌پردازد. بطور مثال، دشواری دسترسی بزه‌دیده در تهیه شواهد و مدارک، سن بزه‌دیده مطابق با ماده ۶۸ بند اساسنامه و ۸۶ آئین دادرسی و ... از جمله عوامل تعیین کننده است. جبران خسارت وارد بر کودکان مطابق با ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، باید مطابق با مقررات بین‌الملل در نظر گرفته شود و برابر ماده ۳۶ همان کنوانسیون هرگونه اقدام برای بهبود جسمی و روانی بزه‌دیده (کودک) ناشی از هرگونه شکنجه یا سوءاستفاده جسمی و جنسی باید در نظر گرفته شود. در رابطه با موضوع کودک سرباز نیز دیوان باید دستورات و برنامه‌هایی را برای تضمین جبران به نفع سربازان کودک ارائه کند. بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان می‌توانند در طول فرآیند دادرسی از مساعدت و مشاوره دیوان بهره‌مند شوند. اصل بر جبران خسارت بصورت فردی است اما بزه‌دیدگان می‌توانند در شرایطی که دیوان تشخیص می‌دهد از مشاوره با وکیل عمومی بهره‌گیرند. مطابق با ماده ۷۵، دیوان مکلف است بنابر صلاحدید خود به تعیین حدود و میزان خسارت وارده بپردازد و اصولی را برای جبران، غرامت، اعاده حیثیت، استرداد اموال دزدیده یا گم شده مشخص کند. مطابق با بند ۲ همان ماده، دیوان می‌تواند راسا نسبت به صدور حکم اقدام و در شرایطی دستور پرداخت از طریق صندوق معاضدت بزه‌دیدگان را صادر نماید. این مسئله به جبران خسارت و توانبخشی محدود نمی‌شود و برابر ماده ۷۵ از انواع دیگر روش‌های جبران اقدام برای ارزش‌های نمادین، اقدامات پیشگیرانه و ... نیز می‌تواند مناسب باشد.

**پرداخت غرامت:** بازسازی زندگی فرد بزه‌دیده از جمله بازگشت به خانواده یا اجتماع، آموزش، استرداد اموال دزدیده یا گم شده از جمله اشکال پرداخت غرامت است.

**اعاده به وضع سابق:** جبران خسارت نیازمند برنامه‌ای گسترده برای بررسی انواع آسیب وارده است. آسیب فیزیکی همانند از دست دادن قدرت باروری، هزینه‌های مرتبط با خدمات پزشکی، خسارت اخلاقی غیرمالی، از دست دادن فرصت‌های شغلی و یا آسیب به توانایی فرد در کار، دخالت در حقوق قانونی فرد از جمله تبعیض‌های سنتی موجود براساس جنسیت و ... از جمله این آسیب‌ها می‌باشد (Aldana, 2004: 36).

<sup>1</sup> Compensation.

<sup>2</sup> Rehabilitation



توانبخشی: در تعریف توانبخشی می‌توان به ارائه خدمات پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی، روانی و اجتماعی برای حمایت از کسانی که آسیب دیده‌اند، اشاره نمود.

اشکال دیگر جبران خسارت: انتشار رای به ویژه در خصوص بکارگیری کودکان زیر ۱۵ سال که به جلوگیری از جنایات کمک کند، از جمله دیگر اشکال جبران است. جبران باید کافی و سریع باشد و از نابرابری ساختاری و تبعیض‌آمیز جلوگیری کند. دیوان باید با بررسی فرهنگ و عرف محل از هرگونه تبعیض جلوگیری کند و با ایجاد روند دادرسی شفاف، به بزه‌دیده این اطمینان داده شود که از روند پرونده بطور دقیق مطلع می‌گردد. دیوان جهت حفظ امنیت، سلامت جسمی و روحی بزه‌دیدگان و شهود به تشخیص خود (بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم)، برای جبران خسارت تدابیر متفاوتی را پیش‌بینی می‌کند. واحد رسیدگی به امور بزه‌دیدگان و شهود، واحد مشارکت بزه‌دیدگان و جبران خسارت، دفتر مشاوره عمومی ویژه بزه‌دیدگان، صندوق معاضدت بزه‌دیدگان، حضور دادرسی متخصص در مسائل خاص مربوط به قربانیان خشونت جنسی و جنسیتی و ... از جمله این تدابیر می‌باشد (Garbett, 2017).

#### - واحد مشارکت و جبران خسارت بزه‌دیدگان

این واحد براساس ماده ۸۶ بند ۹ به منظور کمک به بزه‌دیده و جبران کامل خسارت تاسیس شد. برای تحقق این وظیفه و اطلاع‌رسانی، کتابچه راهنمایی برای کمک به بزه‌دیدگان تهیه شده است. این واحد در راستای<sup>۲۹</sup> اهداف خود اقدام به برگزاری سمینارهای آموزشی برای آموزش بزه‌دیدگان و نمایندگان آنان می‌نماید.

#### - واحد رسیدگی به امور بزه‌دیدگان و شهود

این واحد مطابق با ماده ۴۳ بند ۶ اساسنامه برای اطمینان از پایان مصونیت سران از مجازات، حفظ امنیت بزه‌دیدگان و شهود توسط مسئول ثبت تاسیس گردید. اتخاذ اقدامات محافظتی و امنیتی، خدمات مشاوره‌ای و دیگر کمک‌های مناسب از جمله وظایف این دفتر است. کارکنان این واحد از تخصص لازم در زمینه ضربه‌های عاطفی مربوط به خشونت‌های جنسی برخوردارند. این دفتر در صورت امکان فعالیت‌های خود را با دفتر دادستانی برای اطمینان از حفظ شأن بزه‌دیدگان و شهود هماهنگ می‌نماید. همچنین به تمامی ارگان‌ها توصیه می‌کند، اقدامات لازم برای تضمین برخورداری آنان از حقوق خود را اتخاذ کنند.

#### - دفتر مشاوره عمومی ویژه بزه‌دیدگان

افزایش اثربخشی و پاسخ فوری برای جبران خسارت مربوط به مسائل جنسیتی به ویژه کودکان از جمله اهداف این واحد بشمار می‌رود. پشتیبانی و کمک به بزه‌دیده و در صورت لزوم تحقیق و مشاوره حقوقی به ویژه در رابطه با مسائل خاص از جمله وظایف این دفتر است. این واحد مستقل عمل کرده و این استقلال پیش شرط توانایی در اجرای وظایف برای کمک به بزه‌دیدگان است.

**- صندوق معاضدت بزه‌دیدگان**

این صندوق به موجب بند ۱ ماده ۷۹ اساسنامه در سال ۲۰۰۴ توسط مجمع عمومی دولت‌های عضو با هدف پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان، کمک به دادگاه و اجرای دستورات، بویژه جمع‌آوری اموال مجرمین و تضمین جبران خسارت، حمایت‌های مادی و معنوی به بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان ایجاد گردید (ماده ۷۹ اساسنامه، قاعده ۹۸ آئین دادرسی). اولین بار ایده تاسیس این صندوق در دیوان کیفری بین‌المللی روآندا مطرح شد، اما به نتیجه نرسید. ماده ۷۵ اساسنامه در رابطه با جبران خسارت در بند ۲ مقرر می‌دارد: "دیوان در مواقع مقتضی حکم به جبران خسارت از طریق صندوق معاضدت بزه‌دیدگان را صادر می‌نماید." مطابق بند (الف) از قاعده ۹۸ آئین دادرسی چنانچه در زمان صدور حکم جبران خسارت، پرداخت بطور مستقیم برای هر یک از بزه‌دیدگان غیرممکن یا غیرقابل اجرا باشد به صندوق معاضدت سپرده می‌شود. براساس بند ۲ ماده ۷۹ اساسنامه، دیوان می‌تواند دستور دهد وجوه نقدی و اموالی که از طریق پرداخت جریمه و غرامت جمع‌آوری شده و یا مطابق با ماده ۱۱۶ اساسنامه رم از طریق کمک‌های داوطلبانه بدست آمده به این صندوق منتقل گردد و دستور پرداخت جبران از طریق صندوق را پس از مشاوره با دول ذینفع صادر نماید (بند ۲ قاعده ۹۸ آئین دادرسی). طبق بند ب و ج قاعده ۹۸ در صورتی که شمار بزه‌دیدگان زیاد و یا مبلغ خسارت ناچیز باشد، دیوان می‌تواند حکم به جبران خسارت گروهی را صادر کند و در مقابل برای افرادی که از کشور خود خارج شده‌اند، جبران فردی را در نظر گیرد. اولین بار دیوان در پرونده لوبانگا حکم به پرداخت خسارت جمعی را توسط این صندوق صادر نمود (قاعده ۹۸ بند ۳ و ۴). در کنار دیوان بین‌المللی کیفری، اقدامات دیگری نیز در راستای حمایت از بزه‌دیده صورت گرفته است. اساسنامه شعب فوق‌العاده آفریقایی قوانین جدی برای تضمین جبران خسارت در کنار مجازات مرتکبین جنایات بین‌المللی مقرر نموده و با تمرکز بر تضمین جبران خسارت، تنوع در اشکال جبران خسارت گامی بزرگ به سمت عدالت کیفری در سطح اساسنامه رم برداشته است. شعب فوق‌العاده آفریقایی<sup>۱</sup> در پرونده حسن هابره که به حبس ابد، جبران خسارت محکوم گردید به دلیل عدم توانایی هابره در پرداخت مبلغ خسارت، حکم به پرداخت از طریق صندوق معاضدت بزه‌دیدگان را صادر نمود و جبران خسارت جمعی را نیز در نظر گرفت (Iskandar, 2018: 141). این اولین بار در تاریخ نظام عدالت کیفری بین‌المللی بود که با اعمال صلاحیت جهانی محکمه یک کشور، رهبر پیشین کشور دیگر را مورد محاکمه قرار داد (Moffett, Ibid: 351). در این دادگاه بیش از ۷۰۰۰ نفر از بزه‌دیدگان تقاضای جبران خسارت نمودند که این پیروزی بزرگی در راستای اجرای عدالت بشمار می‌رود (Williams, 2013: 1139-1160).

<sup>۱</sup> Extraordinary African Chamber (EAC)

## رویه قضایی دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان بین‌المللی کیفری تنها نهاد دائمی بین‌المللی است که در مسیر حمایت از بزه‌دیده نوآوری‌های مهمی داشته و در جهت مبارزه با مرتکبان جنایات بین‌المللی گام برداشته است. مسئولیت کیفری زمانی بوجود می‌آید که فرد یا افرادی بر اثر کردار و رفتارشان نظم اجتماع را مختل و جامعه را متضرر کنند. الزام شخص به پاسخ در قبال جامعه و تعرض به دیگران تحت عنوان مسئولیت کیفری مطرح می‌شود. هدف از مسئولیت کیفری مجازات مجرم است (راغب و سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). برای رعایت اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، احراز مسئولیت کیفری باید به دقت انجام گیرد و رابطه علیت بین جرم انجام شده و مجرم برقرار گردد. اساسنامه رم به دادرسان دیوان این اختیار را می‌دهد تا اصولی را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان تعیین کنند. این اختیار اولین بار در پرونده لوبانگا توسط دادرسان اعمال شد.

### ۱- پرونده توماس لوبانگا

۱۴ مارس ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی کیفری (شعبه اول تجدیدنظر) اولین رای خود را در محکومیت لوبانگا به اتهام قتل، تجاوز بعنوان جنایت علیه بشریت، سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعال در مخاصمات مسلحانه تحت ماده ۸ (۲) (vii) (e) صادر و لوبانگا را به ۱۴ سال حبس محکوم نمود (همان، ۱۰۵). علیرغم عدم تعریف مفهوم سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال، دیوان در رای خود اظهار داشت اعمالی که تحت شمول قسمت ۷ بند ۵ پاراگراف ۲ ماده ۸ اساسنامه قرار می‌گیرند، باید مطابق با ماده ۲۱ و ۲۲ تعریف شوند (همان، ۱۱۱). دیوان وقوع جنایات جنگی و ثبت‌نام از کودکان زیر ۱۵ سال را در رای خود احراز نمود و اعلام کرد که لوبانگا بعنوان یکی از موسسان اتحادیه وطن‌پرستان کنگو<sup>۱</sup> ثبت‌نام کودکان زیر ۱۵ سال حمایت نموده است. ۲۱ مارس ۲۰۱۶ دیوان رای خود را متناسب با شدت جرائم و مسئولیت آقای لوبانگا صادر می‌کند. وی بعنوان شخص موثر (ماده a-۲۸) و بعنوان فرمانده نظامی محکوم شود. قاضی ادیو بنتو عقیده داشت که دیوان نباید حمایت از کرامت انسانی کودکان را فراموش کند و سوءاستفاده جنسی از عناصر ذاتی در ارتکاب جرم استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت در مخاصمات مسلحانه است. شعبه اول رسیدگی‌کننده برای اولین بار حکم به پرداخت خسارت جمعی از سوی صندوق معاضدت بزه‌دیدگان<sup>۲</sup> (بند ۱ ماده ۷۹ اساسنامه و قاعده ۹۸ بند ۳ آئین دادرسی) را صادر نمود (همان، ۱۲۸). دیوان می‌تواند علاوه بر صدور حکم به پرداخت جبران خسارت، اقدامات لازم برای اثر بخشیدن به رای صادره را نیز انجام دهد. دیوان در رای خود در سال ۲۰۱۲ اصولی را برای جبران خسارت مقرر و چهار روش جبران از جمله پرداخت غرامت،

<sup>1</sup> Union des Patriotes Congolais (UPC)

<sup>2</sup> Trust fund for victim (TFV)

اعاده به وضع سابق، توانبخشی و دیگر اشکال را تعیین نمود (همان، ۱۳۹). شعبه با در نظر گرفتن تفسیر کنوانسیون ۱۹۶۹ وین معنای بکارگیری کودک سرباز را استخدام اجباری کودک برای خدمات نظامی دانست. شعبه تجدیدنظر در رای ۲۰۱۵ صندوق حمایت از بزه‌دیدگان را ملزم به تهیه و تحویل طرح اجرایی جبران خسارت جمعی بدون هیچ تبعیض جنسیتی طی مدت شش ماه نمود. دیوان تصریح کرد تمامی بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان که از معیارهای لازم برای دریافت غرامت برخوردارند اعم از اینکه در محاکمه شرکت داشته یا نداشته‌اند، از احکام مربوط به پرداخت غرامت جمعی بهره‌مند می‌شوند (همان، ۱۳۴). مقرر شد صندوق برنامه پیشنهادی خود را جهت کمک به بزه‌دیدگان خشونت جنسی و جنسیتی با اولویت تحت بررسی قرار دهد. شعبه تجدیدنظر اعلام داشت چنانچه صندوق منابع در دسترس خود را برای فراهم نمودن امکان اجرای حکم در اختیار قرار دهد می‌تواند در آینده از آقای لوبانگا مطالبه نماید (ارغنده‌پور، ۱۳۹۴: ۳۷). صندوق به منظور جلوگیری از درخواست‌های تکراری برای جبران خسارت موظف گردید اطلاعات را بصورت محرمانه و الکترونیکی نزد خود نگهداری نماید. دیوان در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۷ حکم به پرداخت مبلغ ۳/۴۰۰/۰۰۰ دلار برای ۴۲۵ نفر از آسیب‌دیدگان را صادر نمود که با ارزیابی جریمه آن، مجموعاً مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار ارزیابی شد.

## ۳۲ - ۲- پرونده ژرمن کاتانگا

۲۳ می ۲۰۱۴ شعبه دوم دیوان کاتانگا را به جرم جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت در معنای ماده ۲۸ (۳) (d) به ۱۲ سال حبس محکوم نمود. مقرر شد زمان سپری شده از ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۷ تا ۲۳ می ۲۰۱۴ از محکومیت وی کسر گردد. ۲۵ ژوئن ۲۰۱۴ حکم تجدیدنظر صادر و در ۲۴ مارس ۲۰۱۷ دیوان به موجب ماده ۷۵ اساسنامه حکم به جبران خسارت به مبلغ یک میلیون دلار برای کاتانگا بصورت جبران فردی و جمعی در قالب حمایت از مسکن، فعالیت‌های درآمدزا، توانبخشی را صادر نمود و از صندوق معاضدت بزه‌دیده نیز برای مساعدت دعوت کرد. قضاات دیوان برای ۲۹۷ نفر مبلغ ۲۵۰ دلار را بصورت نمادین برای جبران خسارت جمعی در نظر گرفتند. در ماه می ۲۰۱۷ صندوق تصمیم گرفت مبلغ یک میلیون دلار را برای جبران خسارت پوشش دهد و طرح پیشنهادی خود را ارائه نمود. ۸ مارس ۲۰۱۸ دادگاه تجدیدنظر دستور جبران خسارت را تایید و صادر نمود. در این دادگاه ۳۶۶ نفر از بزه‌دیدگان مجوز شرکت در فرآیند دادرسی را پیدا نمودند.

## ۳- پرونده ژان پییر بمبا

۲۱ مارس ۲۰۱۶ دیوان حکم محکومیت بمبا به جرم کشتار بعنوان جنایت علیه بشریت تحت ماده ۷ (۱) (a) اساسنامه، کشتار بعنوان جنایت جنگی تحت ماده ۸ (۲) (c) (i) اساسنامه، تجاوز جنسی بعنوان جنایت

علیه بشریت تحت ماده ۷ (۱) (g) اساسنامه، تجاوز جنسی بعنوان جنایت جنگی تحت ماده ۸ (۲) (e) (vi) اساسنامه، غارت بعنوان جنایت جنگی تحت ماده ۸ (۲) (e) (v) اساسنامه را صادر و به ۱۸ سال به زندان محکوم نمود. این پرونده نقش مهمی در تکامل عدالت جنسیتی داشت و اولین محکومیت نسبت به ارتکاب جرم تجاوز جنسی به مثابه جرم جنگی و جرائم علیه بشریت در تاریخ دیوان بود که با رای شعبه تجدیدنظر ملغی شد. شعبه سوم دادرسی تایید نمود که دلایل کافی برای جرائم ارتکاب یافته توسط سربازان MLC در آفریقای مرکزی از ۲۶ اکتبر ۲۰۰۲ تا ۱۵ مارس ۲۰۰۳ در معنای ماده ۲۸ (a) اساسنامه وجود دارد. شعبه نتیجه می‌گیرد: "حمله به مردم غیرنظامی (ماده (۲) (a) (۷) اساسنامه)، حدفاصل ۲۰۰۲-۲۰۰۳ توسط نیروهای MLC صورت گرفته و اعمال ارتكابی به صورت طولانی مدت به درجه کافی از شدت (ماده ۸ (۲) (d) و ۸ (۲) (f) اساسنامه) رسیده است و اکنش بمبا در طول عملیات در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ محدود به هشدار کلی بر عدم بدرفتاری با غیرنظامیان، تشکیل هیات تحقیق و دادگاه نظامی برای رسیدگی به اتهام غارت اشیاء کم‌ارزش بوده است." دیوان علاوه بر اخذ نظرات دادستان و نمایندگان بزه‌دیدگان، گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی را دریافت نمود و ۴ کارشناس نیز برابر ماده ۹۷ بند ۲ برای کمک به صدور حکم، شرایط جبران، شناسایی بزه‌دیدگان و ... تعیین شدند. گزارش‌های فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر<sup>۱</sup> حاکی از آن بود که این جنایات تنها مختص به دوران عملیات نبوده و ادامه داشته است. طبق اظهارات متخصصان<sup>۳۳</sup> اعصاب و روان، بزه‌دیدگان خشونت جنسی در منازعات مسلحانه از مواردی همچون انتقال و بیروس، از دست دادن بکارت و حاملگی ناخواسته، عدم دسترسی به درمان مناسب، تحقیر توسط مردان و ترک توسط همسران‌شان رنج می‌برند. روز هشتم ژوئن ۲۰۱۸ شعبه تجدیدنظر دیوان بمبا را از اتهام جنایت جنگی و علیه بشریت تبرئه کرد که با رای ۲۱ مارس ۲۰۱۶ در تعارض بود. براساس نظر اکثریت دادرسان شعبه تجدیدنظر، شعبه دادرسی متهم را نسبت به رفتارهای مجرمانه‌ای محکوم نموده که خارج از قلمرو اتهامات تایید شده در مرحله پیش دادرسی است و احراز مسئولیت بمبا براساس مدل مسئولیت فرماندهی دارای ایرادات جدی است. مقرر شد بمبا تا زمان صدور حکم نسبت به اتهامات جرائم علیه عدالت در بازداشتگاه باقی بماند. یکی از بزه‌دیدگان در مصاحبه به رادیو گفت: "من با دستگیری بمبا به زندگی باز می‌گردم". در پرونده بمبا ۵۲۲۹ بزه‌دیده شرکت نمودند.

<sup>1</sup> International Federation for Human Rights (FIDH)

## ۴- پرونده المهدی الفاقی

شعبه ۸ رأی خود را در محکومیت المهدی به اتهام حمله مستقیم عمدی به اموال حافظت شده از تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ لغایت ۱۱ جولای ۲۰۱۲ در تیمباکتو، (مالی) علیه ۱۰ مرکز مذهبی و تاریخی (جرم جنایت جنگی) در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۶ صادر نمود. ۱۸ فوریه ۲۰۱۶ طی توافق، المهدی اطلاعات کاملی از اعمال ارتكابی خود ارائه داد و مسئولیت جرائمی که متهم به ارتكاب آن بود را پذیرفت. این پرونده به دلیل پذیرش تقصیر و مسئولیت کیفری از سوی محکوم علیه، کوتاه‌ترین دادرسی دیوان محسوب می‌گردد. با اعتراف المهدی در روز اول محاکمه و پذیرش تقصیر، اتهامات وارده و مسئولیت کیفری، شعبه مقدماتی اتهام وی را در ۲۴ مارس ۲۰۱۶ تایید نمود. با شروع جنگ داخلی در مالی، المهدی بعنوان کارشناس مذهبی ارتباط مستقیمی با رهبران انصارالدین و القاعده داشت. علیرغم مخالفت اولیه المهدی در اواخر ژوئن ۲۰۱۲ رهبر انصارالدین دستور تخریب مقبره‌ها و مساجد تیمباکتو که بخش تفکیک‌ناپذیر زندگی دینی ساکنین تیمباکتو و میراث مشترک جامعه محسوب می‌گردید را صادر نمود. دادگاه نتیجه گرفت المهدی مسئولیت کافی و مستقیم در فاز اجرایی حمله را داشته است و نقش او بعنوان سخنگو، دادگاه را متقاعد نمود که تمامی عناصر معنوی ارتكاب جرم را دارا می‌باشد و جرم حمله به اماکن حفاظت شده تحت ماده ۸، (۲) (e) (۴) اساسنامه رم قابل اثبات است. تمامی عناصر ماده ۲۵ (۳) (a) اساسنامه بعنوان همکاری در ارتكاب اثبات شده و بر این اساس جرم حمله به اماکن حفاظت شده که پیش از این بعنوان جنایت جنگی تحت ماده ۸ (۲) (e) (۴) آمده بود، وی مجرم است. دادگاه تجدیدنظر در رابطه با سایر مواردی که توسط شعبه بدوی تایید شده بود از جمله تحریک و تشویق طبق ماده ۲۵ (۳) (b)، کمک براساس ماده ۲۵ (۳) (c) و مشارکت طبق ماده ۲۵ (۳) (d) به این نتیجه رسید که تمامی عناصر شرکت در ارتكاب جرم وجود دارد و نیازی به اثبات معاونت در جرم نیست. همچنین طبق ماده ۸ (۲) (e) (۴) انجام حمله مستقیم صرف‌نظر از اینکه ویرانی صورت گرفته باشد یا خیر، جرم است. همچنین حمله عامدانه به ده مقبره و مسجد بعنوان شرکت در ارتكاب جرم بهترین تناسب را با مسئولیت کیفری المهدی دارد. جرم المهدی برخلاف سایر متهمان، جرم علیه اشخاص نیست. جرم علیه اموال از نظر ماهیت و ذات شدت از اهمیت و شدت کمتری برخوردار است. اما با عنایت به وسعت خسارات شعبه خاطر نشان می‌کند اثر حمله بر روحیه مردم بقدری شدید بوده که عملیات جنگی صورت گرفته است. عذرخواهی المهدی در اولین روز محاکمه موجب تسهیل روند دادگاه و تسکین خاطر بزه‌دیدگان شد که عامل قابل ملاحظه‌ای در تخفیف حکم وی است. دیوان در سال ۲۰۱۷ وی را به ۹ سال زندان و پرداخت ۲/۷ میلیون یورو پرداخت خسارت فردی و جمعی، جبران خسارات مادی و معنوی شامل بازسازی برای بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان محکوم نمود. در این پرونده ۹ تن از بزه‌دیدگان دیدگاه‌های و نگرانی‌های خود را ارائه نمودند.

## نتیجه‌گیری

دیوان بین‌المللی کیفری تاکنون بر تضمین مشارکت بزه‌دیدگان اهتمام ورزیده و با حرکت‌هایی همچون پرداخت پول به خانواده‌های متهمان، نحوه ارزیابی و محاسبه جبران خسارت، نظارت بر روند جبران خسارت سعی داشته تا با رعایت رفتار منصفانه در حفظ حقوق متهم تلاش نماید. با این حال هنوز تکامل عدالت کیفری با آینده مبهمی روبروست. دیوان بنحو غیرعادلانه‌ای بر آفریقا متمرکز شده است. اخیراً با خروج فلیپین و برون‌دی از اساسنامه تعداد کشورهای عضو به ۱۲۱ کشور تقلیل یافت. سرنوشت پرونده‌هایی همچون عمرالبشیر موجب شده تا دولت‌های آفریقایی و به تبع آن اتحادیه آفریقایی نیز زمزمه‌هایی مبنی بر خروج از اساسنامه را پیش‌رو گیرند. جبران خسارت توجه ویژه جامعه بین‌الملل را طلب می‌کند. اساسنامه موازین مصونیت را مدنظر قرار نداده لذا تعقیب مقامات مسئول در معنای بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه، یکی از علل عدم همکاری دولت‌ها می‌باشد. نکته دیگر، تاثیرگذار بودن اساسنامه بر دولت‌های غیرعضو است. طبق اساسنامه چنانچه فرد متهم در یکی از دولت‌های عضو یافت شود، آن دولت می‌تواند او را مسترد نماید و عدم الحاق دولتی به دیوان بین‌المللی کیفری به معنای مصونیت اتباع آن کشور از تحولات دیوان نیست. لذا پیگیری تحولات و شرکت در جلسات دیوان بعنوان دولت غیرعضو می‌تواند تاثیرات قابل توجهی را در تصمیم‌گیری‌ها به همراه داشته باشد.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- اسدی، لیلیا سادات (۱۳۸۸)، «جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۶۸.
- ۲- ارغنده‌پور، نفیسه (۱۳۹۴)، «دیوان بین‌المللی کیفری، پرنده لوبانگا: اصلاح حکم شعبه رسیدگی کننده و درخواست پیش‌نویس برنامه اجرایی از صندوق امانی بزه‌دیدگان»، *فصلنامه تازه‌های ملل متحد*، ش ۲۱.
- ۳- تقی‌زاده، زکیه و هداوندی فاطمه (۱۳۹۱)، «مقابله با بحران سر بازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ش ۲۲.
- ۴- دیرباز، مرضیه و رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۲)، «حمایت‌های حقوقی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، س ۲، ش ۲.
- ۵- راغب، نیلوفر و سلیمی، صادق (۱۳۹۴)، «بکارگیری کودکان در درگیری‌های مسلحانه و پاسخ‌های جامعه بین‌الملل به آن با تاکید بر رویه دیوان بین‌المللی کیفری»، *پایان‌نامه ارشد، پژوهشگاه علوم، تحقیقات و فناوری*.

- ۶- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «تأسیس دیوان کیفری آفریقایی: افسانه واقیت؟»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۸، ش ۸۶.
- ۷- عاکفی قاضیانی، موسی (۱۳۹۴)، «مشارکت بزه‌دیدگان در رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی کیفری»، *پایان‌نامه دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور مرکز*.
- ۸- نژندی‌منش، هیبت‌اله و آموزگار، شهریار (۱۳۹۶)، «جایگاه بزه‌دیده در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری»، *فصلنامه قضاوت*، ش ۹۱.

## لاتین:

- 1- Aldana, Pindell (2004). Emerging Universality of Justiciable Victims' Rights, In the Criminal Process to Curtail Impunity for State-Sponsored Crimes.
- 2- Iskandar diab (2018). Challenges in the Implementation of the Reparation Award against Hissein Habre. *Journal of International Criminal Justice*.
- 3- Garbett, Claire (2017). The International Criminal Court and restorative justice: victims, participation and the processes of justice. *International Journal*. Pages 198-220 Published online.
- 4- Garkawe, cild (2003). Victims and the International Criminal Court: three major issues. *International Criminal Law Review*.
- 5- Iskandar diab (2018). Challenges in the Implementation of the Reparation Award against Hissein Habre. *Journal of International Criminal Justice*.
- 6- Lewis, Peter and Friman, Hakan (2001). Reparations to Victims. In the International Criminal Court: Elements of Crimes and Rules of Procedure and Evidence.
- 7- Moffet, Luke (2014). *Justice for Victims Before the Intrnational Criminal Court*. New York. Routledge.
- 8- Stover, et al (2010). Efficacy of a police-advocacy intervention for victims of domestic violence.
- 9- Williams, Sarah (2013). The Extraordinary African Chambers in the Senegalese Courts: An African Solution to an African Problem. *International criminal justice*. Vol.11. Issue.5.